



روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم

سید محمدحسن جواهری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۳

جواهری، سیدمحمدحسن، ۱۳۵۰-
روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم / سیدمحمدحسن جواهری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
سیزده، ۲۶۵ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۲۴: علوم قرآنی؛ ۲۲)
بها: ۵۲۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص[۲۳۹]-۲۵۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. قرآن - ترجمه. ۲. قرآن - ترجمه - راهنمای آموزشی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۱ ۹ ر ۹ ج / ۶ / ۶۰ BP ۹۹۷ / ۱۰۷
شماره کتابشناسی ملی
۲۸۵۵۱۸۵



روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم

مؤلف: سیدمحمدحسن جواهری (عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ دوم: پاییز ۱۳۹۳ (چاپ اول: تابستان ۱۳۹۱)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۸۴۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۲۱۱۱۱ - ۰۲۵۱ (انتشارات: ۲۱۱۱۳۰۰) نماير: ۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۱۵۱ - ۲۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد. کتاب حاضر به عنوان متن درسی برای دانشجویان رشته‌های «تفسیر»، «علوم قرآنی»، «الهیات» و «حدیث» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و نیز دیگر علاقه‌مندان به ترجمه قرآن و حدیث تهیه شده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از مؤلف گرامی جناب حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن جواهری و همچنین از ارزیابان محترم طرح جناب آقای دکتر حیدر قلی زاده و دکتر علی فتحی سپاسگزاری نماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی (ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مد ظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و در یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به‌پشتوانه چنین میراث گران‌قدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با حمایت مالی معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی اسلامی و تطابق هرچه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای

جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است.

از استادان، فرهیختگان و صاحب نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
یادآوری	۱
سخنی با استادان گرامی	۲
فصل اول: کلیات	۵
۱. ریشه‌شناسی ترجمه	۵
۲. معنی‌شناسی ترجمه	۶
۳. تعریف ترجمه بین‌زبانی	۷
۴. اهمیت و ضرورت ترجمه	۹
۵. پیشینه ترجمه قرآن	۱۰
۶. ترجمه‌ناپذیری و موانع ترجمه قرآن	۱۲
۱-۶. موانع زبانی در ترجمه قرآن کریم	۱۳
۱-۶-۱. جامعیت زبان عربی	۱۳
الف) جامعیت واژگانی (زبان عربی)	۱۳
ب) جامعیت دستوری (صرفی - نحوی)	۱۴
۱-۶-۲. موانع آوایی و بلاغی	۱۵
۲-۶. موانع معنوی	۱۷
۷. رابطه ترجمه و تفسیر	۱۸
۱-۷. تفاوت‌های ترجمه و تفسیر	۱۹
۸. شرایط مترجم	۲۰
○ چکیده فصل	۲۲
○ خودآزمایی و پژوهش	۲۳
○ منابع مفید برای پژوهش بیشتر	۲۴

۲۵	فصل دوم: سبک‌ها و روش‌های ترجمه قرآن
۲۵	گفتار اول: سبک‌های ترجمه
۲۵	۱. سبک‌های ترجمه
۲۷	۱-۱. قالب‌های کلی سبک قرآن
۳۱	۲. ترجمه‌های آوایی
۳۱	۱-۲. ترجمه‌های آوایی منثور
۳۱	۱-۱-۲. ترجمه‌ای آوایی از قرن چهارم
۳۱	۲-۱-۲. ترجمه آوایی نسفی
۳۲	۳-۱-۲. ترجمه‌های آوایی دیگر
۳۲	۴-۱-۲. ترجمه‌های منظوم
۳۴	۵-۱-۲. ارزش‌گذاری ترجمه‌های آهنگین
۳۴	۳. ترجمه‌های منثور
۳۴	○ چکیده گفتار اول
۳۵	گفتار دوم: روش‌های ترجمه قرآن
۳۵	۱. روش‌های ترجمه
۳۶	۱-۱. ترجمه لغوی یا لفظ‌به‌لفظ
۳۷	۲-۱. ترجمه تحت‌اللفظی
۳۹	۳-۱. ترجمه وفادار
۴۰	۴-۱. ترجمه معنایی
۴۴	۵-۱. ترجمه آزاد
۴۶	۶-۱. ترجمه تفسیری
۴۸	۲. نقد، بررسی و جمع‌بندی
۴۸	۱-۲. ارزش‌گذاری روش‌های ترجمه
۴۹	۲-۲. طبقه‌بندی ترجمه‌ها
۴۹	۳-۲. مرز ترجمه وفادار و معنایی
۴۹	۴-۲. مرز ترجمه معنایی و آزاد
۵۰	۵-۲. زبان معیار
۵۳	۶-۲. واحد ترجمه
۵۴	چند مثال
۵۵	○ چکیده گفتار دوم
۵۷	○ خودآزمایی و پژوهش
۵۸	○ منابع مفید برای پژوهش بیشتر

۵۹	فصل سوم: مبانی ترجمه
۵۹	مبانی ترجمه
۶۰	ضرورت وجود پیش فرض
۶۰	۱. مبانی زبان شناختی
۶۰	۱-۱. هم‌معنایی واژگانی
۶۲	۱-۱-۱. مترادف و شرایط تحقق آن
۶۴	چکیده سخن
۶۶	۲-۱. فروق اللغات
۶۹	۳-۱. وجوه و نظایر
۷۰	۱-۳-۱. تفاوت مشترک لفظی و وجوه و نظایر
۷۱	۴-۱. اضداد (تضاد معنایی واژگان)
۷۲	۱-۴-۱. اضداد در قرآن
۷۲	۲-۴-۱. برخی مفردات قرآن مشمول تضاد
۷۳	۳-۴-۱. برخی ساخت‌های صرفی مشمول اضداد
۷۴	۵-۱. تضمین
۷۴	۱-۵-۱. ویژگی‌های تضمین
۷۷	۶-۱. حقیقت قرآنی
۷۹	۲. مبانی تفسیری
۸۰	۳. مبانی کلامی مترجم قرآن
۸۲	۱-۳. صفات خبری خداوند در قرآن
۸۴	۱-۳-۱. رؤیت خداوند
۸۴	۲-۳-۱. علم الهی
۸۶	۲-۳. عصمت پیامبران
۹۰	۳-۳. جبر و اختیار
۹۱	۴. مبانی فقهی مترجم قرآن
۹۳	○ چکیده فصل
۹۶	○ خودآزمایی و پژوهش
۹۷	○ منابع مفید برای پژوهش بیشتر
۹۹	فصل چهارم: اصول ترجمه قرآن
۹۹	اصول ترجمه
۹۹	اصل اول: تسلط بر زبان مبدأ و درک صحیح آن
۱۰۰	اصل دوم: آشنایی کامل با زبان مقصد

۱۰۱ اصل سوم: امانتداری در ترجمه
۱۰۱ ۱. امانتداری در ترجمه واژه‌های متشابه و خاص
۱۰۳ ۲. ضمیمه کردن برداشتها و نظریه‌های تفسیری مترجم در ترجمه
۱۰۳ ۲-۱. افزوده‌های تفسیری
۱۰۸ ۲-۲. طبقه‌بندی آرای تفسیری
۱۱۲ ۳. ابهام‌شناسی و مسئله امانتداری در مبهمات
۱۱۳ ۳-۱. ابهام آوایی و زبرزنجیری
۱۱۳ ۳-۱-۱. ابهام آوایی در زبان مقصد
۱۱۵ ۳-۱-۲. ابهام آوایی در زبان مبدأ
۱۱۶ ۳-۲. ابهام واژگانی
۱۱۶ ۳-۲-۱. ابهام واژگانی در زبان مقصد
۱۱۶ الف) درون‌واژه‌ای و برون‌واژه‌ای
۱۱۹ ب) ابهام در ساختارهای صرفی
۱۲۰ ۳-۲-۲. ابهام واژگانی در زبان مبدأ
۱۲۲ ۳-۳. ابهام در ساختارهای نحوی
۱۲۲ ۳-۳-۱. ابهام در ساختارهای نحوی زبان مقصد
۱۲۷ ۳-۳-۲. ابهام در ساختارهای نحوی زبان مبدأ
۱۳۱ ۴. ابهام محتوایی
۱۳۱ ۴-۱. ابهام محتوایی در زبان مقصد
۱۳۱ ۴-۲. ابهام محتوایی در زبان مبدأ
۱۳۱ ۴-۱-۱. ابهام درونی
۱۳۳ ۴-۲-۲. ابهام عَرَضی
۱۳۳ اصل چهارم: رعایت فضای فکری و فرهنگی مخاطب
۱۳۴ ۱. تحول معنایی
۱۳۵ ۲. بازتاب فرهنگی و اجتماعی ترجمه
۱۳۶ ۳. ایجاد نکردن سؤال و شبهه
۱۳۶ ○ چکیده فصل
۱۴۰ ○ خودآزمایی و پژوهش
۱۴۱ ○ منابع مفید برای پژوهش بیشتر
۱۴۳ فصل پنجم: منابع ترجمه قرآن
۱۴۳ ۱. منابع لغوی و زبانی زبان مبدأ
۱۴۳ ۱-۱. منابع لغوی

۱۴۳	۱-۱-۱. برخی از فرهنگ‌های لغت یک‌زبانه عربی
۱۴۷	۲-۱-۱. فرهنگ‌های لغت دوزبانه
۱۴۸	۳-۱-۱. فرهنگ‌نامه‌های لغت قرآنی
۱۵۱	دو تذکر مهم
۱۵۱	الف) کاستی‌های فرهنگ‌های لغت
۱۵۲	ب) اجتهاد در لغت و حجیت آن
۱۵۳	۲-۱. منابع زبانی و ادبی زبان مقصد (فارسی)
۱۵۴	۲. منابع تفسیری
۱۵۵	۳. منابع اختصاصی ترجمه قرآن (عربی - فارسی)
۱۵۵	کتاب‌ها
۱۵۶	مجلات
۱۵۷	○ چکیده فصل
۱۵۹	○ خودآزمایی و پژوهش
۱۵۹	○ منابع مفید برای پژوهش بیشتر

۱۶۱	فصل ششم: فرایند ترجمه قرآن
۱۶۱	فرایند ترجمه قرآن کریم
۱۶۱	۱. تحلیل واژگانی متن مبدأ
۱۶۲	۱-۱. فرایند واژه‌شناسی
۱۶۳	۲-۱. قواعد واژه‌شناسی
۱۶۳	۱-۲-۱. رهایی از دام معانی ارتکازی
۱۶۶	۲-۲-۱. توجه به معانی واژه‌ها در زمان و مکان نزول
۱۶۸	۲. تحلیل آوایی و دستوری متن مبدأ
۱۶۹	۳. فهم مراد واقعی آیات قرآن
۱۷۰	۴. برابری واژگانی، دستوری و ایجاد تعادل
۱۷۱	۵. ایجاد تعادل در سبک
۱۷۳	۶. یکسان‌سازی در ترجمه
۱۷۶	۱-۶. یکسان‌سازی در ترجمه واژه‌ها و عبارت‌های مشابه
۱۷۶	۲-۶. یکسان‌سازی در ترجمه عناصر صرفی و ساختارهای نحوی
۱۷۸	۳-۶. یکسان‌سازی در حذف و اضافه
۱۷۸	۴-۶. یکسان‌سازی در ویرایش
۱۸۰	۵-۶. یکسان‌سازی در نوع و نثر ترجمه
۱۸۰	۷. ویرایش، ارزیابی و کنترل نهایی ترجمه

۱۸۲	○ چکیده فصل
۱۸۵	○ خودآزمایی و پژوهش
۱۸۶	○ منابع مفید برای پژوهش بیشتر
۱۸۷	فصل هفتم: تحلیل‌های تقابلی و مشکلات ساختاری
۱۸۷	گفتار اول: زبان‌شناسی مقابله‌ای
۱۸۸	فرایند تحلیل تقابلی
۱۸۸	۱. تشخیص نوع عناصر و الگوهای زبانی
۱۸۸	عناصر صرفاً زبانی
۱۸۸	۱-۱. واو زائد
۱۸۹	۲-۱. واو استینافیه یا آغازگر
۱۹۰	۳-۱. فای جواب شرط
۱۹۰	۴-۱. فاء بر سر خبر موصولات
۱۹۰	۵-۱. لام در جواب شرط و جواب قسم
۱۹۰	۶-۱. لام فارقه و موطنه
۱۹۱	۲. برابریابی
۱۹۱	۱-۲. عناصر معناداری که نمی‌توان برای آنها برابر مناسبی یافت
۱۹۱	۱-۱-۲. کلمات خطاب
۱۹۱	۲-۱-۲. لام ملحق به اسم‌های اشاره
۱۹۱	۳-۱-۲. های تنبیه
۱۹۲	۴-۱-۲. بین دوم در الگوی بین... و بین...
۱۹۲	۵-۱-۲. رابط میان موصول و جمله صله
۱۹۲	۶-۱-۲. روابط میان مبتدا و خبر
۱۹۲	۷-۱-۲. برخی از ادوات تأکید
۱۹۵	۲-۲. عناصر معنادار و الگوهایی که برابر ندارند، ولی راه علاجی برای آنها یافت می‌شود
۱۹۵	عناصر معنادار
۱۹۷	الگوهای ساختاری
۱۹۷	۱-۲-۲. التفات
۱۹۷	فلسفه و فواید التفات
۱۹۸	گونه‌های مختلف التفات
۱۹۹	۲-۲-۲. اولئک در جواب من شرطیه
۲۰۱	۳-۲-۲. ... أَخَذَ مِنْكُمْ
۲۰۱	۴-۲-۲. خطاب با «علیکم»

۲۰۲ ۵-۲-۲. اضافه گسسته و الگوهای مشابه
۲۰۳ ۶-۲-۲. تمییز نسبت
۲۰۳ ۳-۲. عناصری که یک یا چند معادل دارند
۲۰۵ گفتار دوم: آسیب‌شناسی برابریابی در ترجمه
۲۰۵ ۱. جمله
۲۰۶ برخی آسیب‌های ترجمه جمله
۲۰۶ ۱-۱. جمله‌های طولانی
۲۰۸ ۲-۱. تغییر نقش در زنجیره نحوی
۲۱۱ ۳-۱. جمله‌های محذوف
۲۱۳ ۴-۱. انسجام درونی بافت و بافتار
۲۱۵ ۵-۱. پیوند بین جملات آیات
۲۱۶ ۲. فعل
۲۱۷ ۱-۲. ماضی
۲۲۰ ۲-۲. مضارع
۲۲۱ ۳. مفعول به
۲۲۲ ۴. مفعول مطلق
۲۲۲ ۱-۴. مفعول مطلق تأکیدی
۲۲۳ ۲-۴. مفعول مطلق نوعی
۲۲۵ ۳-۴. مفعول مطلق عددی
۲۲۶ ۴-۴. ترجمه مفعول مطلق با عامل محذوف
۲۲۶ ۵. تمییز
۲۳۰ ۶. حال
۲۳۲ ۷. حروف
۲۳۳ ۸. الف و لام
۲۳۵ ○ چکیده فصل
۲۳۶ ○ خودآزمایی و پژوهش
۲۳۸ ○ منابع مفید برای پژوهش بیشتر
۲۳۹ منابع و مأخذ
۲۵۳ نمایه آیات

پیشگفتار

درباره ترجمه و به‌ویژه ترجمه قرآن و حدیث تاکنون مطالب بسیاری از سوی کارشناسان ترجمه ارائه شده است، با این همه، هنوز نقاط کور بسیاری در آن وجود دارد که باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. امروزه ترجمه از نگاه ساده گذشتگان، بسیار فراتر رفته و با توجه به اهمیت کارکردهای آن، حوزه وسیعی از مباحث نظری را به خود اختصاص داده و پیچیده‌تر و روشمندتر شده و نیازمندی‌های جدیدی یافته است. در همین راستا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پیش‌تر در سنامه ترجمه را با هدف تأمین متن آموزشی منتشر کرده بود که با همه کاستی‌هایش با استقبال و تقدیر مواجه و از سوی نهمین کتاب فصل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز کتاب سال حوزه علمیه قم، برنده جایزه شد، ولی با همه این اوصاف لازم بود اولاً، برخی ضعف‌ها برطرف و بعضی مباحث مختصر شود و ثانیاً، برخی کاستی‌ها که جای خالی آنها کاملاً احساس می‌شد، بدان افزوده شود؛ از این رو، کتاب یادشده با نگارش مجدد و تغییرات و افزوده‌های فراوان با نام روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم عرضه گردید. در این مجموعه کوتاه تلاش شده مهم‌ترین مباحث نظری و کاربردی ترجمه به بحث گذاشته شود و نقشه راهی برای علاقه‌مندان به ترجمه ارائه گردد.

یادآوری

۱. نگارنده در این کتاب در پی نقد ترجمه‌های قرآن کریم نبوده و نقل شاهد مثال‌ها از ترجمه‌ها صرفاً با هدف آموزشی انجام شده است؛
۲. در انتخاب ترجمه‌ها سعی شده از آخرین چاپ استفاده شود، ولی احتمال وجود نسخه‌هایی کامل‌تر و با تجدید نظر مؤلفان آنها، منتفی نیست، به‌ویژه که شماری از شواهد از کتاب

- درسنامه ترجمه انتخاب شده و از زمان تألیف آن تاکنون سالیانی می‌گذرد و احتمال ویرایش ترجمه‌ها و در مورد برخی از آنها، ویرایش‌های متعدد وجود دارد؛
۳. از بین ترجمه‌های موجود در بازار یا کتابخانه‌های تخصصی، یا نرم‌افزار «جامع‌التفاسیر»، تنها از ترجمه‌هایی استفاده شد که می‌توانستند شاهدی برای موضوع بحث به ما ارائه دهند و نقل از ترجمه‌ها دلیل بر تأیید آنها نیست، بلکه می‌توان انتخاب بسیاری از شواهد را تصادفی تلقی کرد؛
۴. در نقل ترجمه‌ها، جز رعایت فصل و وصل به سبک معمول زمان ما و نیز برخی علائم ویرایشی، آن هم در موارد ضروری — البته در غیر شاهد مثال — نگاشته مترجم عیناً نقل شده است؛ از این رو، گاه ناهماهنگی‌هایی در متن و شاهدها در ویرایش فنی دیده می‌شود؛
۵. به دلیل ضیق مجال، نام مترجمان در اغلب موارد بدون القاب ذکر شده که پیشاپیش از همه آنها عذرخواهی می‌شود؛
۶. در نقل شواهد از ترجمه‌ها، در اغلب موارد، نظر به همان شاهد مثال بوده و چه بسا اشکالات دیگری نیز در ترجمه‌ها وجود داشته که جز موارد بسیار محدود، بدانها پرداخته نشده است؛ بنابراین، تأیید یک شاهد به معنای تأیید آن تنها از جنبه مورد بحث است، نه از همه جوانب؛
۷. یکی از نکات مورد توجه، مخلوط نشدن مباحث حوزه‌های گوناگون علوم مورد نیاز مترجم در مباحث روشی این کتاب است؛ دانش‌هایی مانند روش فهم و تفسیر قرآن، برخی مباحث ادبیات و زبان فارسی و نیز زبان‌شناسی و مباحث مهم آن در حوزه ایجاد تعادل‌های صرفی، نحوی و بلاغی که به دلیل ضیق مجال و تضييع نشدن آنها در انتقال ناقص، به منابع تخصصی مربوط واگذار شده‌اند، مگر موارد اندکی که یادکرد آنها در این مجموعه به‌رغم ضیق مجال، مفید تشخیص داده شده است.

سخنی با استادان گرامی

شایسته است افزون بر نکات یادشده، چند نکته درباره شیوه تدریس این کتاب مورد توجه قرار گیرد:

۱. از آنجا که ارتقای ترجمه بستگی به استعداد درونی، فراگیری دانش‌های نظری و کاربردی مربوط و تجربه دارد، لازم است افزون بر مباحث نظری کتاب، به تجربه عملی توجه ویژه شود؛ از این رو، تحقق پژوهش‌های درخواستی در پایان فصل‌ها می‌توانند مسیر مناسبی را

فراوی دانشجویان قرار دهد. در ضمن، گاه برخی پرسش‌ها خود بسترهایی برای طرح برخی مباحث نظری هستند که به اقتضای حال دانشجویان و به صلاحدید استادان گرامی، ارائه می‌شود؛

۲. در سطح کارشناسی، ارائه متن کتاب و طرح دقیق مباحث نظری آن محور اصلی آموزش است و در سطح کارشناسی ارشد، بیشترین توجه به عینی‌بخشی آموخته‌های نظری و تحقیق و تطبیق آنها بر نمونه‌های خارج از کتاب است؛

۳. استفاده از ویدئو پروژکتور در هر دو سطح آموزش بسیار مفید و حتی ضروری است و استاد می‌تواند مباحث نظری را با استفاده از نرم‌افزارهایی مانند «جامع‌التفاسیر» به صورت عینی و مقایسه‌ای به پیش ببرد؛

۴. در سطح کارشناسی ارشد — چنان که اشاره شد — بیشتر جنبه کارورزی و کارگاهی مورد توجه است؛ از این رو، انتخاب آیات خاص یا ترجمه سوره‌ای خاص و بررسی همه‌جانبه آن می‌تواند نتیجه کار را ارتقا بخشد. همچنین می‌توان مسائلی را محور تحقیق قرار داد؛ برای مثال، چند معنایی ساختی و ساختاری، عناصر و الگوهای خاص عربی، بررسی برابره‌های واژگان خاص، مترادف و اسماء حسنا‌ی الهی می‌توانند در فضای ترجمه به بحث گذاشته شوند؛ همچنین خلاقیت‌ها و آفریده‌های جدید مترجمان و نکات ویرایشی — که فهرستی اجمالی از آنها ارائه شده — بسترهایی مناسب برای پژوهش‌اند که نتایج آنها بسیار آموزنده و مورد نیاز است؛

۵. کاوش در روش‌های جدید ترجمه و شناسایی قالب‌های تازه و ارائه نمونه‌های جدید می‌توانند محورهای تحقیق در خصوص ترجمه قرآن در مقطع کارشناسی ارشد باشند؛

۶. ارائه ترجمه‌های جدید و منطبق بر نوع ترجمه انتخاب‌شده، بسیار مطلوب است؛ برای مثال، می‌توان دانشجویان را در گروه‌های دو یا سه نفره موظف به ارائه ترجمه‌ای جدید و براساس نوع خاصی از ترجمه کرد. برای این کار می‌توان یک سوره را میان دانشجویان تقسیم کرد؛ به گونه‌ای که هر گروه ترجمه چند آیه را بر عهده گیرند. این تجربه در مقطع کارشناسی ارشد بسیار مفید به نظر می‌رسد.

مقدمه را با تذکر این نکته به پایان می‌برم که مطالب ارائه‌شده در این کتاب به دلیل گستردگی مباحث ممکن است با ضعف‌هایی روبه‌رو باشد که اولاً، سعه صدر خوانندگان گرامی را می‌طلبد که بر نویسنده ببخشایند و ثانیاً، با بزرگواری و منش کریمانه خود این کمترین خدمتگزار قرآن

کریم را از نکات ارزشمند و راهگشای خود بهره‌مند سازند؛^۱ همچنین لازم می‌دانم از تلاش‌های همه کسانی که به نوعی در ارتقای این اثر دخیل بوده‌اند یا در راستای انتشار آن گامی برداشته‌اند، به‌ویژه مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و گروه قرآن‌پژوهی و نیز ویراستار محترم تقدیر و تشکر کنم.

سخن پایانی‌ام را به تشکر ویژه از عزیزی اختصاص می‌دهم که اگر جنبه مثبتی در این نوشتار به چشم می‌خورد، از لطف بیکران اوست. عرض ادبم را به پیشگاه مقدسش با یک دو بیتی همراه می‌کنم و امیدوارم که ما را همچنان مشمول عنایتش قرار داده و این تلاش ناچیز را به بزرگواری‌اش بپذیرد که تحفه‌ای نه درخور پیش‌کشی به پیشگاه اوست:

شمعی آورده‌ام و روی به آن شمس‌الشموس قطره‌ای آب کنم پیش‌کش اقیانوس
او که خود لطف به انجام رساند آخر شاید از هیچ به لطفش بربایم پابوس

والحمد لله اولاً و آخراً

ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ق/ ۱۳۹۰

فصل اول

کلیات

۱. ریشه‌شناسی ترجمه

درباره ریشه لغوی «ترجمه» از سوی لغت‌شناسان نظریات گوناگونی ارائه شده است که در مجموع عبارت‌اند از:

الف) «ترجمه»، ریشه‌ای آرامی دارد. طرفداران این فرضیه بر این باورند که ترجمه و ترجمان و دیگر مشتقات آن از «ترگوم»^۱ یا «ترگومین»^۲ آرامی گرفته شده و در عربی رواج یافته‌اند. دهخدا در لغتنامه و یسوعی در غرائب اللغة العربیه از این قول جانبداری کرده‌اند.

گفتنی است براساس این نظریه، صورت‌هایی از واژه‌های آرامی، پیش از اسلام، یا پس از آن و از طریق زبان عربی به زبان فارسی راه یافته است؛ بنابراین، نمی‌توان ریشه آن را در زبان فارسی جستجو کرد.

ب) ریشه واژه ترجمه، عربی است. جوهری (۳۳۲-۳۹۳ق) در صحاح، راغب (م ۴۲۵ق) در مفردات، ابن منظور (م ۷۱۱ق) در لسان العرب، فیومی (م ۷۷۰ق) در المصباح المنیر و برخی دیگر این دیدگاه را پذیرفته، در ماده «رجم» و «ترجم» آورده‌اند.

در وجه اقتباس ترجمه از رجم می‌توان گفت: «رجم» به معنای پرتاب سنگ است که به صورت استعاری در سخن گفتن براساس حدس و گمان و نیز در معنای توهم، شتم و جز اینها به کار می‌رود. ترجمه نیز ابزاری است برای رساندن پیام نویسنده متن به مخاطبان ناآشنا با زبان وی که این القا می‌تواند به منزله پرتاب سنگ تلقی شود، به‌ویژه اگر ترجمه برای انتقال پیام به گروهی ناسازگار یا در راستای تحقق امری خصمانه باشد.

1. Targum

2. Targumin

«تَرْجَمَ» از باب رباعی نیز به معنای روش و آشکار کردن است و «تَرْجَمَ الْكَلَامَ» یعنی سخن را آشکار کرد. ترجمه نیز پیام متن مبدأ را برای مخاطبان ناآشنا به زبان مبدأ آشکار می‌سازد؛ از این رو، این وجه می‌تواند فلسفه این اشتقاق به شمار آید.

ج) ترجمه، نه فارسی و نه عربی، بلکه برگرفته از «رجم» کلدانی به معنای «افکندن» است.^۱
 د) ترجمه از «تُرْجَمَان» معرب «تُرْزَبَان» یا «تُرْزَفَان» فارسی است. نویسنده غیاث اللغات و ناظم الاطباء — نویسنده فرهنگ‌نویسی — از طرفداران این قول هستند؛ اما دهخدا با این نظریه مخالف است و در ماده ترجمان می‌نویسد:

... تصور می‌رود ترجمان مأخوذ از آرامی یا ترگمان [سریانی که شاخه‌ای از زبان آرامی است] را به صورت «ترژمان» و «ترزمان» نقل کرده‌اند و بعد کاتبان به شباهت لفظی و معنوی کلمه «ترزبان» و «ترزفان» خوانده‌اند و فرهنگ‌نویسان هر دو صورت اخیر و مخفف و مبدل آن «ترزفان» را ضبط کرده‌اند.

«تُرْزَبَان» به کسی می‌گویند که زبانی به اصطلاح چرب‌ونرم داشته و خوش سخن باشد.

۲. معنی‌شناسی ترجمه

واژه ترجمه در معانی گوناگونی متناسب با ریشه لغوی آن به کار رفته است که به اختصار عبارت‌اند از:

– ترجمه در معنای بین‌زبانی (برگردان گفتار یا نوشتاری از زبانی به زبان دیگر)؛^۲ این معنا از معانی دیگر معروف‌تر و متداول‌تر است.

– ترجمه در معنای درون‌زبانی (تفسیر و شرح سخن به همان زبان اصلی)؛ ترجمان نیز در این معنا به کار رفته است؛ چنان که ابن عباس را «ترجمان القرآن» لقب داده‌اند.^۳ طبری در تفسیر خود^۴ و زمخشری در اساس البلاغه (ماده فسر) همین معنا را در نظر داشته‌اند. نمونه چنین ترجمه‌ای را می‌توان المنتخب فی تفسیر القرآن الکریم، تفسیر البراعم المؤمنه و نیز التفسیر الوجیز دانست که البته با اندکی تفسیر همراه است.

۱. رامیار، تاریخ قرآن، ص ۶۴۶.

۲. ابن منظور، لسان العرب: «فَسَّرَ كَلِمَةً بِلِسَانِ آخَرَ» ماده رجم.

۳. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۹۰، نوع ۸۰.

۴. طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۲۴، ۳۲، ۵۷ و....

- ترجمه در معنای تفسیر سخن به زبانی دیگر که شامل ترجمه‌های تفسیری نیز می‌شود؛ دکتر آذرتاش آذرنوش در این باره آورده است:

چنین به نظر می‌رسد که نویسندگان ایرانی سده چهارم هجری، خاصه در شرق ایران، عموماً کلمه «ترجمه» و «ترجمان» را به معنایی که ما امروز می‌شناسیم، به کار نمی‌برده‌اند، بلکه بیشتر از «ترجمه» معنی شرح، تفسیر، بیان و از «ترجمان» معنی مفسر، ناقل و حتی واسطه میان دو کس را اراده می‌کردند... در ترجمه تفسیر طبری این پدیده جالب به چشم می‌خورد که هر گاه مترجمان با آن دقت و وسواس آمیز، ترجمه آیات را لفظبه‌لفظ و آیه‌به‌آیه می‌آورند، مبحث را با ذکر نام سوره آغاز می‌کنند و دیگر سخنی در این باره نیست که آن عبارت ترجمه است؛ اما هر گاه به تفسیر می‌پردازند، آن را به عنوان «ترجمه سوره» آغاز می‌کنند. این عنوان ۹۲ بار در متن تکرار شده است.^۱

- ذکر کردن سیرت و اخلاق و نسب شخص؛^۲ مانند کتاب التراجم. ترجمه در این معنا، اصطلاحی در علم رجال و حدیث است که شرح حال بزرگان یا راویان حدیث را شامل می‌شود. از نوشتارهایی که درباره شخص یا اشخاص معین نگاشته می‌شود، گاه با همین واژه تعبیر شده است (کتاب تراجم).^۳

ترجمه در این معنا را گاه به تناسب برای غیر انسان نیز به کار می‌برند: «ترجمة الكتاب» که مقصود از آن دیباچه کتاب است،^۴ اغلب شامل چگونگی تألیف و تشریح مسیر تحقیق و مشکلات راه و مانند آنها می‌شود، و اطلاعات کلی از موضوع یک کتاب و چکیده‌ای از آن، در مقدمه یا پیشگفتار می‌آید؛ از این رو، شاید استفاده از «ترجمه» برای دیباچه یا مقدمه، به لحاظ سرگذشت نویسنده در گردآوری، تنظیم و تألیف و مشکلات فراروی او باشد که در دیباچه و گاه در مقدمه می‌آید.

۳. تعریف ترجمه بین‌زبانی

از بین معانی مختلف بیان شده برای ترجمه، معنای اول محور سخن است؛ از این رو، سخن را آن سو می‌کشانیم و پیرامون آن توضیحاتی را ارائه می‌کنیم. برای ترجمه تعریف‌های بسیاری ارائه شده که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. آذرنوش، «یکی قطره باران یادنامه زریاب خویی»، ص ۵۵۵ و ۵۵۶.

۲. معین، فرهنگ فارسی، واژه ترجمه.

۳. ر.ک: شیخ آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۵۵.

۴. معلوف، المنجد فی اللغه، واژه رجم.

- ترجمه عبارت است از: برگردان مفاهیم، چه نوشته و چه گفته، از یک زبان که زبان مبدأ^۱ نامیده می‌شود، به زبان دیگر که زبان مقصد^۲ خوانده می‌شود، به طوری که متن ترجمه‌شده همان تأثیری را که در زبان مبدأ دارد، در زبان مقصد نیز داشته باشد.^۳

- ترجمه عبارت است از: برگرداندن عناصر و ساختارهای^۴ متنی زبان مبدأ به معادل آنها در زبان مقصد (با توجه به عوامل و شرایط برون‌زبانی)،^۵ به گونه‌ای که خواننده متن مقصد همان پیام و تأثیری را دریابد که خواننده متن مبدأ درمی‌یابد.^۶

- ترجمه عبارت است از: نزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک.^۷

- **تعریف پیشنهادی:** ترجمه عبارت است از: برگردان مراد گوینده از زبان مبدأ به زبان مقصد با حفظ رتبه تأثیرگذاری بر مخاطب و نیز حفظ عناصر و ساختارهای دستوری و بلاغی زبان مبدأ با جایگزین‌های مناسب، تا حد امکان و متناسب با نوع ترجمه.

تعریف‌های یادشده و دیگر تعریف‌ها^۸ بر چند شاخص تأکید دارند که عبارت‌اند از:

- انتقال پیام گوینده از زبان مبدأ به زبان مقصد؛

- انتقال رتبه تأثیرگذاری بر مخاطب در ترجمه؛

1. source language

2. target language

۳. باطنی، پیرامون زبان و زبان‌شناسی، ص ۶۳.

۴. منظور از «ساخت» در این کتاب «صرف» و مقصود از «ساختار» «زنجیره و عناصر نحوی» است.

۵. مانند حال و مقام سخن، احساسات، مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دینی و... (قلی‌زاده، مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم، ص ۱۸).

۶. همان، ص ۱۹. ۷. بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ص ۳۳.

۸. مانند:

- ترجمه فرایندی است که طی آن، مواد متنی زبانی مبدأ، جای خود را به مواد متنی معادلش در زبان مقصد می‌دهد (کنفورد، یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبان‌شناختی، ص ۴۲):

- ترجمه عبارت است از فرایند جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ به وسیله عناصر متنی زبان مقصد که طی آن مترجم باید سعی کند با این عمل جایگزین‌سازی خود، زمینه‌ای را فراهم بیاورد که در آن، نویسنده اصلی و خواننده متن ترجمه با هم به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند (لطفی پورساعدی، درآمدی بر اصول و روش ترجمه، ص ۷۰)؛

- ترجمه را می‌توان انتقال مفهومی به صورت شفاهی یا کتبی از زبانی به زبان دیگر دانست (بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ص ۳۱).

- نزدیک بودن عناصر و الگوهای (صرفی، نحوی، واژگانی و بلاغی) جایگزین شده در زبان مقصد، به زبان مبدأ تا حد امکان (گفتنی است این مطلب تنها در برخی انواع ترجمه که توضیح آن خواهد آمد، ارزش به شمار می‌رود).

۴. اهمیت و ضرورت ترجمه

اسلام آیینی جهان‌شمول است که بر پایه قوانین الهی به ودیعه نهاده شده در قرآن، بنا شده است؛ از این رو، همگان باید از محتوای کتاب آسمانی اسلام آگاه گردند و ساده‌ترین راه دستیابی به چنین هدفی، «ترجمه» هرچه دقیق‌تر آن است؛ بنابراین، اهمیت ترجمه قرآن برخاسته از اهمیت و موقعیت و ویژگی‌های آیین اسلام است.

برخی محققان برای بیان اهمیت ترجمه بین‌زبانی قرآن به دلایلی چند استناد کرده‌اند که مهم‌ترین آنها بدین شرح‌اند:

- قرآن دعوت عمومی است و باید به همه انسان‌ها ابلاغ شود: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»^۱.

- غرض از نزول قرآن، تبیین و روشن ساختن آن برای جهانیان است، نه اینکه صرفاً آن را تلاوت کنند و تنها در اختیار گروهی خاص باشد: «قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللّٰهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْنَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللّٰهِ إِلَهَةً أُخْرَى قُلْ لَأَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ؛ بگو: گواهی چه کسی از همه برتر است؟ بگو: خداوند گواه میان من و شماست، و این قرآن بر من وحی شده است تا با آن به شما و همه کسانی که [این قرآن] به آنها می‌رسد، بیم [و هشدار] دهم. آیا واقعاً گواهی می‌دهید که با خدا معبودی‌های دیگری هست [که با او شریک هستند]؟ بگو: من گواهی نمی‌دهم. بگو: او تنها معبود یگانه است، و من از آنچه شریک او می‌پندارید، بیزارم»^۲.

برخی نیز به: وجوب تبلیغ دین بر همگان، سیره عقلا و متفکران، تکلیف ما لایطاق در صورت ترجمه نکردن و جز اینها^۳ تمسک کرده‌اند، ولی باید توجه داشت که موارد یادشده

۱. آل‌عمران، ۱۳۸.

۲. انعام، ۱۹.

۳. معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۳؛ رفیعی، «نقد و بررسی ادله رشید رضا در ممنوعیت ترجمه مجله معرفت، ش ۴۸، ص ۷۵-۷۷.

نمی‌تواند جواز همه انواع ترجمه را نتیجه دهد؛ زیرا با تفسیر نیز می‌توان به اهداف یادشده دست یافت؛ بنابراین، در گام نخست برای اثبات جواز ترجمه باید به دلایل مخالفان ترجمه پاسخ گفت که در جایگاه خود بدان خواهیم پرداخت. اما نقش و اهمیت تبلیغ از راه ترجمه بر هیچ‌کس، پنهان نیست؛ زیرا قرآن «مبین» است و به زبان و بیان روشنی نازل شده و خود بهترین معرف خود است و ترجمه دقیق، زیبا و رسا از آن، بهترین راه تبلیغ به شمار می‌رود؛ بله، برای آگاه کردن مخاطبان از زوایای دقیق قرآن، بیان برخی مفاهیم تفسیری مفید است که معمولاً در ترجمه‌ها نیز به‌طور مختصر و اشاره‌وار بدانها توجه می‌شود.

۵. پیشینه ترجمه قرآن

ترجمه آیات و سوره‌های قرآن از همان صدر اسلام مورد توجه بوده است. شاید اولین مترجم قرآن «جعفر بن ابی‌طالب» باشد که آیاتی از سوره مریم را به زبان حبشی ترجمه کرد.^۱ سلمان فارسی نیز به گزارش برخی روایات، سوره حمد را برای هم‌زبانان خویش ترجمه کرده که ترجمه بسمله آن به ما رسیده است؛^۲ البته برخی در این روایات به دلایلی چون اختلاف در نقل و ضعف سند تردید کرده‌اند.^۳

در سال ۲۳۰ق قرآن به زبان هندی ترجمه شد^۴ و در قرن چهارم (۳۵۱-۳۶۵ق) «ترجمه و تفسیر رسمی» یا ترجمه تفسیر بزرگ جامع البیان طبری^۵ به همت علمای ماوراءالنهر و به درخواست سلطان منصور بن نوح سامانی تدوین یافت. پس از ترجمه‌های یادشده، ترجمه‌های دیگری نیز در قرن‌های بعد به عرصه ظهور رسید که تفسیر قرآن مجید (نسخه کمبریج) بین

۱. مجله التوحید الاسلامی، ش ۹، ص ۲۱۶.

۲. وی بسمله را به «به نام یزدان بخشاینده» ترجمه کرده است (ر.ک: سرخسی، المبسوط، ج ۱، ص ۳۷؛ اسفراینی، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، ج ۱، ص ۸).

۳. ر.ک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۵ و ۵۶ (آقای محمد بهرامی در مقاله «نظریه‌پردازان ترجمه» (پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۲ و ۴۳) دلایل زرقانی را نقل و نقد کرده است)؛ شاطر، القول السدید فی حکم ترجمه القرآن المجید، ص ۴۳؛ معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۴۱؛ گفتگوهای قرآنی، ص ۲۵۸ و ۲۵۹.

۴. مجله التوحید الاسلامی، ش ۹، ص ۳۱۶.

۵. این ترجمه به ترجمه تفسیر طبری شهرت دارد، ولی تحقیقات نشان می‌دهد که تفاوت‌های زیادی بین آنها وجود دارد و از همین رو است که آقای دکتر آذرنوش نام ترجمه رسمی را برای آن برگزیده است (ر.ک: آذرنوش، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ج ۱، ص ۲۰).

قرن‌های چهارم و پنجم،^۱ ترجمه ابو حفص نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی بین سال‌های ۴۶۲-۵۳۸ق، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، اثر شهفوبن طاهر اسفراینی در اواسط قرن پنجم،^۲ کشف الاسرار و عدة الابرار، اثر رشیدالدین میبدی (متوفی اوایل قرن ششم) و تفسیر روض الجنان و روح الجنان، تألیف ابوالفتوح رازی تدوین‌شده در دهه‌های دوم و سوم قرن ششم، از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. گفتنی است به باور برخی کارشناسان (دکتر علی رواقی) در فاصله قرن اول تا چهارم ترجمه‌های متعددی پدید آمده که می‌توان نشانه‌هایی از آنها را یافت؛ برای مثال، برخی تاریخ تألیف قرآن قدس را به پیش از قرن چهارم بازگردانده‌اند،^۳ هرچند برخی نیز با این نظریه موافق نیستند.^۴

در یک جمع‌بندی آنچه مهم به نظر می‌رسد، تغییر نوع ترجمه در اوایل قرن چهاردهم است. بیشتر قریب به اتفاق^۵ ترجمه‌ها تا پیش از این قرن از روش تحت‌اللفظی پیروی می‌کردند و شاید نخستین کسی که گامی فراتر برداشت، بصیرالملک (محمدطاهر یا طاهر مستوفی شیبانی کاشانی) در ترجمه خویش به سال ۱۲۷۰ش باشد. اما ترجمه او از قیدوبندهای روش تحت‌اللفظی به‌طور کامل خلاصی نیافت و به برداشتن گام‌هایی در مسیر تحول بسنده کرد. پس از او مرحوم الهی قمشه‌ای گامی بلند در جهت روان‌سازی ترجمه قرآن و دور شدن از ترجمه تحت‌اللفظی برداشت و با این کار آغاز تحولی چشمگیر را در دنیای ترجمه قرآن رقم زد. ترجمه او به دلایل گوناگون توانست ده‌ها سال جایگاه خویش را در میان ترجمه‌های جدیدتر و کم‌اشکال‌تر حفظ کند و همچنان مورد توجه باشد. پس از ترجمه الهی قمشه‌ای که تاکنون بارها ویرایش شده، ترجمه‌های بسیاری عرضه شده‌اند که برخی از آنها گام‌های مهمی در جهت

۱. به باور برخی پیرسن این احتمال وجود دارد که ترجمه کمبریج از ترجمه رسمی متأخر نباشد (بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۴۳).

۲. برخی ترجمه تاج التراجم اسفراینی و نیز ترجمه سورآبادی را همزمان یا قدیمی‌تر از ترجمه طبری ترجمه رسمی نامیده‌اند (مصاحب و دیگران، دائرةالمعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۰۳۳).

۳. بینات، ش ۴؛ روحانی، نوترین گنج در کهن‌ترین گنجینه؛ رواقی، قرآن قدس (کهن‌ترین برگردان قرآن به فارسی)؛ گفتگوهای قرآنی، ص ۲۶۲.

۴. لازار، «پرتوی نو بر چگونگی شکل‌گیری زبان فارسی، ترجمه‌ای از قرآن به پارسی گویش»، مجله زبان‌شناسی، ش ۱ و ۲، ص ۷۰؛ دانشنامه جهان اسلام، ص ۸۱.

۵. برای مثال، ترجمه «پلی میان شعر عروضی و شعر هجایی» — از ترجمه‌های کهن — سبکی آهنگین به کار گرفته و با روش تحت‌اللفظی دیگر ترجمه‌ها متفاوت است.

روان‌سازی نیز برداشته‌اند، ولی اغلب از روشی یکسان پیروی کرده‌اند و باید دانست که هنوز روش‌هایی خالی از مصداق قابل توجه، بر جای مانده‌اند که در این میان می‌توان به ترجمه آزاد اشاره کرد.

۶. ترجمه‌ناپذیری و موانع ترجمه قرآن

درباره ترجمه‌ناپذیری قرآن کریم به دلیل بُعد اعجازی بیان قرآن، سخن بسیار است و آنچه در این مجال اندک می‌توان یادآور شد، ترجمه‌ناپذیری مراتبی از بیان قرآن است. توضیح اینکه، ترجمه‌های قرآن به دلیل موانع زبانی و فرهنگی، هیچ‌گاه نمی‌توانند همه‌جانبه باشند؛ از این رو می‌توان قرآن را ترجمه‌ناپذیر دانست، ولی به دلیل ضرورت ترجمه قرآن، مترجمان قرآن با قیدهایی که معمولاً برای مخاطبان خود بازگو می‌کنند، به ترجمه قرآن روی می‌آورند. ترجمه‌های قرآن در حقیقت ترجمه معانی و برداشت‌های مترجم از قرآن در حد توان خویش است و به‌طور طبیعی در مقایسه با متن اصلی با ریزش معنا روبه‌روست. ریزش معنایی چندان نیازمند توضیح نیست و هیچ مترجم آگاهی نمی‌تواند ادعا کند — و گویا تاکنون کسی چنین ادعایی نکرده — که ترجمه من، همه معانی قرآن را که از الفاظ آن می‌توان استفاده کرد، دربر دارد و این مسئله در چند معنایی‌های قرآن کاملاً آشکار است، ولی نگرانی، تغییر یافتن معنی آیات است. گاه ریزش معنایی مثلاً از ده معنا، یک یا دو معنا را به مخاطب می‌رساند یا فرصت برداشت‌های گوناگون را از او می‌گیرد و به سخن دیگر، زمینه برداشت‌های گوناگون را از میان می‌برد، در چنین فرضی، اگر رابطه این معانی به صورت استقلال باشد، مشکل را می‌توان پذیرفت و مخاطب را برای آگاهی بیشتر به تفسیرها ارجاع داد، ولی گاه ریزش معنایی به تغییر معنی می‌انجامد و این آنجاست که همان بخش اندک منعکس شده در ترجمه به نام ترجمه، با اصل مطابق نیست، یا به گونه‌ای منتقل می‌شود که معنا از معنای اصلی دور می‌شود و به بیان دیگر، نه تنها مخاطب را در رسیدن به معنای آیات یا بخشی از آنها یاری نمی‌کند، بلکه وی را از آن دور می‌کند. به نظر می‌رسد کسانی که بر ترجمه‌ناپذیری قرآن اصرار دارند، به این مسئله توجه کرده‌اند. این معضلی است که در ترجمه متون مقدس، به‌ویژه قرآن کریم که تفسیر به رأی آن با فروافتادن به دوزخ جبران می‌شود، بس خطیر و هراس‌انگیز است و چه بسا همین مسئله باعث شده باشد که بسیاری از مترجمان به سوی ترجمه‌های دشوار تحت‌اللفظی و وفادار و نیز ارائه توضیحات تفسیری فراوان و مشخص کردن آنها از متن اصلی پیش روند. ما در ادامه به برخی موارد ترجمه‌ناپذیر اشاره خواهیم کرد.

چنان که اشاره شد، در مسیر ترجمه قرآن دو دسته موانع وجود دارند که کار را برای مترجم، اگر غیر ممکن نکند، بسیار دشوار می‌سازند که شناخت آنها می‌تواند در بُعد نظری، بستری لازم را برای عبور مترجم فراهم آورد.

۱-۶. موانع زبانی در ترجمه قرآن کریم

۱-۱-۶. جامعیت زبان عربی

به اعتراف زبان‌شناسان، زبان عربی نسبت به دیگر زبان‌ها چنان جامعیت و ازگانی و ساختاری دارد که در دیگر زبان‌ها مشابه آن یافت نمی‌شود و همین امر، کار مترجم را در برابریابی و ایجاد تعادل و ازگانی و ساختاری با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو می‌سازد. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره زبان عربی آمده است: «يَبِينُ الْأَلْسُنَ وَلَا تُبَيِّنُهُ الْأَلْسُنُ»^۱؛ براساس روشن‌ترین تفسیر این حدیث، زبان عربی، گویایی دیگر زبان‌ها را دارد، ولی آنها گویایی زبان عربی را ندارند و به دیگر سخن، زبان عربی توانایی آن را دارد که مفاهیم دیگر زبان‌ها را به مانند آنها، بلکه گویاتر بیان کند، ولی دیگر زبان‌ها از چنین امکانی بهره‌مند نیستند و شاید از این‌رو باشد که براساس روایاتی، سخن گفتن اهل بهشت به زبان عربی است.^۲

چنان که گذشت، جامعیت زبان عربی را از دو جهت می‌توان پیگیری کرد: گستردگی و جامعیت و ازگانی و جامعیت ساختاری (صرفی، نحوی و بلاغی).

الف) جامعیت و ازگانی (زبان عربی)

برای یک مترجم فارسی زبان شاید هیچ کاری به اندازه «واژه‌یابی» به‌ویژه برای واژه‌هایی که در معنا نزدیک‌اند، دشوار نباشد. این دشواری در برابریابی برای واژه‌های مترادف به‌ویژه در متون

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۷۲؛ کتاب فضل القرآن، باب النوادر، ح ۲۰. همه زبان‌ها اقتضاهایی دارند که در دیگر زبان‌ها سعی می‌شود به گونه‌ای علاج شوند؛ مثلاً در زبان فارسی گونه‌های مختلفی از فعل ماضی وجود دارد که به همان شکل در زبان عربی وجود ندارد و به صورت ترکیبی برابریابی می‌شود. این‌گونه مشکلات که با تغییر در ساختار علاج می‌شوند، مانع مهمی به شمار نمی‌روند و ملاک برتری قرار نمی‌گیرند، بلکه اگر نتوانیم به هیچ‌وجه علاج کنیم، مشکل انتقال مفهوم رخ می‌دهد؛ برای مثال، ترجمه الگویی مانند: «عليكم بصلاة الليل» به زبان فارسی از موارد دشوار و علاج‌ناپذیر است و درباره برخی از این الگوها سخن خواهیم گفت.

۲. برخی بر این باورند که زبان عربی قدیم مادر همه زبان‌ها و نزدیک‌ترین زبان به زبان سامی قدیم است (ر.ک: بیطار، اعجاز الكلمة في القرآن الكريم، ص ۲۲۵-۲۳۷).

حساس، گاه چنان است که در برخی موارد مترجم را به وادی ناامیدی و ناتوانی سوق می‌دهد. البته گنجینه واژگان زبان عربی در حال حاضر بسیار کمتر و کوچک‌تر از گذشته شده است و به قول کسایی: «بسیاری از لغات عرب کهنه شده‌اند».^۱ و به گفته یونس به حیب بصری: «آنچه از کلام عرب به شما رسیده کم است و اگر همه آن می‌آمد، مجموعه فراوانی از علم و شعر می‌شد».^۲

بنابراین، انتظاری نیست که ترجمه، تصویری روشن و کامل از اصل ارائه دهد و چه بسیار ترجمه‌هایی که به‌سان آینه‌های موج‌دار، تصویر خود را موج‌دار و ناهنجار عرضه می‌کنند؛ برای مثال، کدام مترجم تاکنون توانسته برای واژه‌های «رحمان» و «رحیم» برابری تمام و کامل بیابد؟ آیا برای «قعود» و «جلوس» می‌توان برابری شایسته‌ای یافت؟ آیا واژه‌های ثوب و لباس؛ آحد و واحد؛ خوف و خشیت؛ رأی و نظر و بصر؛ ریب و شک؛ صداق و مهر؛ صیام و صوم؛ اعوذ و الوذ؛ عفو و غفران و صفح؛ غشاء و غطاء؛ و بسیاری دیگر که تفاوت‌های ظریفی برای آنها ذکر شده، برابری در زبان فارسی دارند که بدون تحمل توضیح تفسیری، یا بدون ترکیب چند واژه بتوانند معانی آنها را منتقل کنند؟ آیا می‌توان به ترجمه‌هایی که تفاوت‌های این‌چنینی را منتقل نمی‌کنند — مانند بیشتر یا همه ترجمه‌های موجود — به دیده ترجمه واقعی نگریست؟ البته آنچه آمد، درباره واژگان قرآنی است و اگر بخواهیم به واژگان غیر قرآنی نیز پردازیم، کافی است نیم‌نگاهی به کتاب المخصص ابن سیده (م ۴۵۸ق) بیفکنیم تا توانایی عرب را در به‌کارگیری واژگان و واژه‌سازی، با تمام وجود احساس کنیم!

(ب) جامعیت دستوری (صرفی - نحوی)

زبان عربی به گفته زبان‌شناسان گسترده‌ترین و پُر‌قاعده‌ترین زبان است.^۳ در میان زبان‌های مختلف، شبیه‌ترین زبان به زبان عربی، فارسی است، ولی با این حال، هم از جهت ساخت‌ها و الگوهای صرفی و نحوی و هم از جهت واژگانی و هم از جهت آوایی نمی‌تواند رقیب قدرتمندی برای زبان عربی به شمار آید؛ برای مثال، در زبان عربی چهارده صیغه و زبان فارسی شش صیغه دارد. در زبان عربی همه اشیا مذکر و مؤنث (حقیقی و مجازی) دارند، در حالی که در فارسی چنین نیست. در زبان عربی یک جمله می‌تواند به شکل‌های مختلفی تأکید شود، ولی در زبان

۱. کسایی، اللسان، ج ۳، ص ۴۳۱.

۲. ابن‌انباری، نزهة الألباء فی طبقات الأدب، ص ۳۳.

۳. حسینی طهرانی، نور ملکوت قرآن، ج ۴، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

فارسی این چنین وسعتی در تأکید امکان نمی‌یابد (هرچند به باور برخی، بعضی از عناصر تأکیدی در زبان عربی، صرفاً زبانی است و بار معنایی ندارد). اشتقاق در زبان عربی نیز مثال‌زدنی است و الگوهای دیگری که ویژه زبان عربی است و مشابهی در زبان فارسی ندارد.

۶-۱-۲. موانع آوایی و بلاغی

در مورد دشواری‌های انتقال بلاغت قرآن در زبان مقصد نیز جای سخن بسیار است. تناسب آوا و معنا، ساخت‌ها و ساختارهای بلاغی و تأکیدهای گوناگون، استفاده از آرایه‌های بدیعی، بهره‌مندی از انواع تشبیهات و کنایات و ظرافت‌های بی‌شمار آوایی و بلاغی، از جمله دشواری‌های بعضاً حل‌ناشدنی فراروی مترجم قرآن کریم است. برای مثال، بسیار رخ می‌دهد که گوینده از ضرب‌المثل‌های ویژه یک منطقه استفاده می‌کند یا سخنی متناسب با فرهنگ حاکم بر یک منطقه بر زبان جاری می‌سازد که با تغییر منطقه، مفهوم و تأثیر خود را از دست می‌دهند. در این گونه موارد، مترجم می‌کوشد با جایگزینی مناسب از زبان مقصد، فضای حاکم بر متن مبدأ را برای مخاطبان خود بازسازی کند؛ برای مثال، آقای گرمارودی در ترجمه «فتیلاً» و «نقیراً» آورده است:

گاهی برخی دقت‌های ناپیدا در کار ترجمه کرده‌ام که برای خواننده دقیق، البته پیداست: مثلاً در برابر کلمه «فتیلاً» که در لغت به معنی «نخواره نازک روی هسته خرما» است، «سر مویی» و در برابر «نقیراً» که به معنی «گودی پشت هسته خرما» است، «سر سوزنی» گذارده‌ام.^۱

چنین تغییری زمانی مجاز شمرده می‌شود که اولاً، عبارت‌های آیه در سنجش ادبی و بلاغی، با عبارت اصلی هم‌تراز باشد و ثانیاً، هیچ نکته دیگری جز آنچه منتقل شده دربر نداشته باشد؛ البته بسیاری موارد نیز وجود دارد که مترجم از ترجمه آنها عاجز است؛ مانند مثال ذیل که به جنبه آوایی بازگشت می‌نماید: «فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا»؛^۲ و [بدین ترتیب یا جوج و مأجوج] نه می‌توانستند از آن بالا روند و نه می‌توانستند بدان رخنه کنند». نکته در کاربرد «اسْتَطَاعُوا» و «اسْتَطَاعُوا» در یک آیه است. در توجیه این تفاوت چه‌بسا بتوان وجه انتخاب «اسْتَطَاعُوا» برای بالا رفتن از سد را آسان‌تر بودن آن نسبت به سوراخ کردن که بسیار دشوارتر از آن است، دانست؛ از این رو در مورد سوراخ کردن سد از «اسْتَطَاعُوا» استفاده شده است؛ زیرا — چنان که گفته‌اند — «زيادة المباني تدل على زيادة المعاني».^۳ ظرایفی از این دست در قرآن

۱. گرمارودی، ترجمه قرآن، ص ۶۳۸. ۲. کهف، ۹۷.

۳. برای آگاهی بیشتر رک: سامرائی، بلاغة الكلمة في التعبير القرآني، ص ۱۱ و ۱۲.

بسیار زیاد است که در برخی موارد حتی تأثیر معنایی نیز دارد و مخاطبِ متن اصلی، معنایی وسیع‌تر از متن ترجمه دریافت می‌کند. نمونه این چنین را می‌توان در دو صیغه «أَنْزَلَ» و «فُزِّلَ» در آیه: «نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ»^۱ مشاهده کرد که براساس برخی تفسیرها، اولی یکباره بودن نزول و دومی تدریجی بودن آن را می‌رساند. بنابراین، ترجمه‌ای بدون انتقال این ظرایف و مانند اینها که در قرآن بی‌شمار است، هیچ‌گاه نمی‌تواند نشان شایستگی را بر سینه داشته باشد و به‌طور کلی می‌توان این موارد را جزء موانع ترجمه به‌شمار آورد.

نمونه‌های ذیل که از جمله موارد آوایی بلاغی است و در قرآن گونه‌های مختلف آن به‌طور فراوان یافت می‌شود، معمولاً جزء موارد مغفول در ترجمه است.

– «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ؟^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود در راه خدا [برای جهاد] حرکت کنید، به زمین چسبیده‌اید [و سستی به خرج می‌دهید...].»

واژه «أَنْتُمْ» که در اصل «تَثَاقُتُمْ» بوده،^۳ با بار عاطفی‌ای که دارد، به‌خوبی نمایانگر سنگینی راحت‌طلبی و عافیت‌خواهی است و این معنا را چونان باری سنگین بر دوش خواننده منتقل می‌کند، به گونه‌ای که خواننده با قرائت این آیه، سنگینی خاصی را احساس می‌کند؛ از این‌رو، هرچند نمی‌توان به‌طور کامل این معنا را منتقل کرد، ولی باید با تعبیرهایی مانند: «بر زمین سنگینی می‌کنید» (مکارم) و «کندی به خرج می‌دهید» (فولادوند)، «بر زمین چسبیده‌اید» و نظیر اینها، احساس برخاسته از رعایت نکته بلاغی یادشده که به ساخت صرفی با رعایت جنبه آوایی – بلاغی مربوط می‌شود، به گونه‌ای به ذهن مخاطب نزدیک شود.

– «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا؛^۴ آنگاه که زمین به شدت لرزانیده شود.»

تکرار زاء و لام در واژه‌های این آیه به‌خوبی پی‌درپی لرزیدن زمین را به نمایش گذاشته است.

– «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ.»^۵

تکرار واو و سین در این آیه تصویرگر تلاش‌های پی‌درپی شیطان برای گمراه کردن انسان است.

۱. آل‌عمران، ۳.

۲. توبه، ۳۸.

۳. تاء به تاء تبدیل و تاء در ثاء ادغام و همزه وصل به ابتدای آن اضافه شده است.

۴. ناس، ۴ و ۵.

۵. زلزال، ۱.